

## نامه دکتر ابراهیم یزدی به رئیس قوه قضاییه

### در مورد اعلام مجرم بودن ایشان

آیت‌الله جناب آقای محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و آرزوی توفیق جلب رضای حق اینجانب به موجب برگ احضاریه‌ای که در تاریخ ۷۶/۹/۱۸ (مصادف با روز تاریخی اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران) صادر و در تاریخ ۷۶/۹/۲۲، ابلاغ شده بود، در روز ۷۶/۹/۲۳ بعد از یک بازجویی مختصر، با قرار بازداشت موقت توسط دادرس محترم شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران در اوین (بازداشتگاه ۲۰۹) زندانی و در روز پنجشنبه ۷۶/۱۰/۴ با کفالت آزاد شدم. در بیانیه‌ای که همان روز توسط دادرس محترم دادگاه صادر و در اختیار خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی قرار داده شد، آزادی اینجانب با قرار «تأمین مناسب تا صدور حکم نهایی» تصریح گردیده است. متأسفانه بیانیه دادرس محترم نه از رادیو و تلویزیون ایران بلکه از رادیوی دولتی صهیونیستها به اطلاع ملت ایران رسید!! و هیچ یک از مسئولین، این نهاد عظیم را مؤاخذه نکرد که چرا چنین اطلاعیه‌ای را در اخبار خود منتشر نکرده است.

بهرحال با وجودی که هنوز حکم نهایی صادر نشده است، با کمال تعجب در روزنامه‌ها خواندم که جنابعالی فرموده‌اید: «برخی از مسائل در ایران جرم است و در دیگر کشورها جرم نیست و دکتر یزدی نیز مرتکب جرم شده است.» (سلام ۷۶/۱۰/۸)

این کلام جنابعالی موجب بسی شگفتی شد. باور نمی‌کردم که رئیس قوه قضاییه کشورمان، این چنین شتابزده، کسی را که هنوز حکمی درباره او صادر نشده است «مجرم» معرفی نماید!!

جنابعالی در همان سخنان خود خطاب به مخاطبان فرموده‌اید که: «شما اطلاعات کم است و فرق بازداشت و محکوم شدن را نمی‌دانید.» و بعد اضافه فرموده‌اید که: «شاید واقعاً تبرئه شد و اصلاً چیزی نبود شاید اساساً معلوم شد که جرم نبود. اما تحقیقات شروع شد و طرف هم گفته بله درست است اما قصد و نیتی نداشته است.»

شگفتی و تعجب من از این است که وقتی خود جنابعالی تصریح کرده‌اید که ممکن است معلوم شود که اصلاً جرمی در کار نبوده است و متهم تبرئه شود، چگونه به خود اجازه داده‌اید که اعلام کنید که دکتر یزدی مرتکب جرم شده است؟

جناب آقای یزدی، جنابعالی در همین سخنان با عصبانیت خاصی خطاب به خبرنگاران، آنها را از سؤال درباره علت دستگیری اینجانب و پیگیری آن بر حذر داشته‌اید و فرموده‌اید: «ما می‌گوییم به شما چه که جریان چیست؟» چنین رفتاری در شأن ریاست محترم قوه قضاییه نیست.

جنابعالی در چند هفته قبل، در خطبه نماز جمعه، در حضور هزاران نمازگزار و در برابر میلیونها شنونده و بیننده در رادیو و تلویزیون فرمودید که من عصبانی هستم و دوستان به من توصیه کرده‌اند که چون عصبانی هستم صحبت نکنم.

اما شما به این توصیه خیرخواهانه دوستان خودتان توجه نکردید و در آن خطبه واقعاً عصبانی بودید و با عصبانیت سخن گفتید و نکاتی بر زبان شما جاری شد که دون شأن مقام شما، که باید سرمشق قضات باشد، بود. از جمله این که سخنان آیت‌الله منتظری در روز ولادت مولای متقیان را «فتنه و توطئه» خواندید، در حالی که هیچ دادگاه و مقام صالحی به اصل مسأله رسیدگی نکرده و وقوع توطئه و ارتکاب جرمی را تصویب نکرده بود. علاوه بر این جنابعالی به عنوان رئیس قوه قضاییه، که مسئول نظارت بر حسن اجرای قوانین است، موظف بودید اعمال بی‌رویه و حمله به حریم خانوادگی ایشان را محکوم و دستور تعقیب متخلفین را بدهید. اما جنابعالی این نوع اعمال را تشویق فرمودید. شاید فراموش شده بود که مردمی از همین قبیل، هنگام داوطلبی جنابعالی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری چه رفتار زشتی با خود شما در مهدیه تهران داشتند.

در همین خطبه، که عصبانیت شما کاملاً بارز بود و خود به آن معترف بودید، با همان لحن عصبانی با اشاره به دیدار کوتاهی که اینجانب و چندتن از همراهان، دو هفته قبل از بیانات حضرت آیت‌الله منتظری، در قم با ایشان داشتیم، تصریح کردید که با چشمان خودتان دیده‌اید که ما از بیت ایشان بیرون می‌آمدیم و آن را کافی دانستید که ما را هم شریک آن حادثه بدانید و آن چنان با قاطعیت اظهار نظر فرمودید که روزنامه‌های وابسته به جناح خاص (نظیر رسالت)، که مدعی حمایت از جنابعالی هستند، به خود اجازه دادند طی سرمقاله‌ای تحت عنوان «آتش بیار معرکه» مطالبی سر تا پا کذب و تهمت به اینجانب نسبت بدهند و صدا و سیما نیز به بهانه برنامه «نگاهی به مطبوعات» همان مقاله را خواند تا جریان جوسازی و پرونده‌سازی علیه اینجانب تکمیل گردد. در مجلس نیز نماینده‌ای مدعی شد که شب قبل از بیانات آقای منتظری ما با ایشان دیدار داشته‌ایم!! و به ایشان برنامه داده‌ایم!!

جناب آقای آیت‌الله یزدی به موجب اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضاییه احیای حقوق عامه و گسترش عدل و نظارت بر حسن اجرای قوانین است و رئیس قوه قضاییه به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم باید عادل باشد.

عدل از نظر کلامی در برابر ظلم، به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است. بسیاری از مفسرین کلام خدا، از جمله مرحوم علامه طباطبایی، عدالت را مجموعه ملکات معتدله در سه نیروی شهوت، غضب و فکر می‌دانند.

عدالت در غضب، به معنای شجاعت یعنی پرهیز از افراط و تفریط در این نیروی نفسانی، که به صورت تهور و ترس بروز می‌کند، می‌باشد.

سخنان جنابعالی چه در آن خطبه نماز جمعه و چه در این برخورد اخیرتان، آن هم در دو زمان و شرایط متفاوت، حاکی از اعصاب ناراحت شما است. آیا تصور نمی‌فرمایید که وقتی یک مقام قضایی دچار این نوع عصبانیتها شود از عدالت فقهی مورد نظر قانون و شرع خارج شده و صلاحیت خود را از

دست می‌دهد؟ امیدوارم این سخن تلخ ولی حق من، موجب رنجش شما و یا احضار و تشکیل پرونده‌ای دیگر علیه من نشود. من چون خود را معتقد به انقلاب اسلامی و وفادار به نظام جمهوری اسلامی و ملتزم به قانون اساسی می‌دانم، با انگیزه خیرخواهی و نصیحت به ائمه مسلمین از شما می‌خواهم خویشتن‌داری بیشتری از خود نشان دهید. شاید این عصبانیتها، به دلیل تراکم فشار کار و مسئولیتها باشد؛ در آن صورت آیا تصور نمی‌فرمایید بهتر باشد از کار کناره‌گیری کنید. وقتی جنابعالی در آن مقام و منصبی که قرار گرفته‌اید چنین سخنانی بر زبان می‌آورید، از روزنامه‌های جدیدالتأسیس و کسانی که در حافظه تاریخی انقلاب اسلامی هیچ سابقه روشنی از آنان وجود ندارد ولی بیش از همه، مدعی و از همه کس طلبکار هستند، یا آن نماینده جوان بی‌اطلاع، چه توقعی می‌توان داشت؟ مشفقانه و خیرخواهانه توصیه می‌کنم که بر اعصاب خود مسلط باشید که این به حق و تقوا و عدالت نزدیکتر است.

با آرزوی قبول طاعات در ماه مبارک رمضان و آخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین.

**با احترام**

**دکتر ابراهیم یزدی**

۷۶/۱۰/۱۶